

تأثیرپذیری بناهای مذهبی معاصر مبتنی بر بازشناسی ارزشهای تاریخی (چالشها و راهبردها)

(نمونه موردی: مسجد ولیعصر تهران)

فریبا نکومنش راد- دکتر جمال الدین مهدی نژاد

(دی ماه ۱۳۹۵)

چکیده

شهرها و مناطق شهری در یک موسم، بنابر شرایط محیطی و تحولات تاریخی و توانایی های بالقوه موجود اولیه شکل می گیرد و در طول زمان، رشد یافته، بسط میابد و به اوج می رسد اما پس از کم رنگ شدن پتانسیل و خواستگاه اولیه، بنای تاریخی به تدریج سیر کاهنده یافته و رو به افول می گذارد. در چنین شرایطی، دیگر، نقش های گذشته و موجود، پاسخ گوی نیازهای زمان نیستند و برای نجات و تجدید حیات این مناطق، نیاز به تعریف یک بنای معاصر وجود دارد. برای تعریف این نقش جدید نیز، ابتدا باید دلایل شکل گیری منطقه شناخته شده و سیر افزایش یافته و بحبوحه تکامل آن مورد مطالعه قرار گیرد و سپس بر اساس مطالعات انجام شده، نقشی متعارف با خواسته های شکل گرفته و موجود، وصف شود. در این صورت است که می توان با اتکا و امید به این نقش پذیری، چشم انداز جدید در شهر پدیدار ساخت.

مطالعات این تحقیق نیز بر اساس همین تعریف اولیه شکل گرفته . و با مطالعه در بافتهای تاریخی تلاش بر این بوده تا با تأکید بر لزوم شناخت بستر معماری، طرحی متناسب با مقتضیات و ضرورت های زمانی و مکانی خاصه اجتماع فعلی مهیا شود طرحی که نه تنها بانی مضمحل گشتن هویت آثار ماسبق نشود، بلکه روح حیات را در تاریخ بدمد و سبب افزون شدن وقار اثر کهن گردد و باعث ایجاد حس خوب مکان شود. اینچنین، طراح به نفس خویشتن و مردم کنون و پیشینیان ارج نهاده است.

واژگان کلیدی: بنای معاصر- بافت تاریخی- هویت- حس مکان

مقدمه

اطلاعات موجود درباره معماری در بافتهای تاریخی ایران بسیار اندک است اما با همین اطلاعات می توان بیان داشت که این فضاها در گذشته از لحاظ کالبدی و کارکردی از کارایی مناسبی برای زندگی در آن برخوردار بودند. در حالی که در دوره معاصر در مجاور بسیاری از فضاهای مذکور، بناهایی ناهمگون باعث تبدیل شدن این فضاها به مکانهایی ناخوشایند که حس مکان را به شخصی که در آن حضور می یابد القا نمی نماید و در پاره ای موارد اثر تاریخی و در پی آن جامعه را نیز دستخوش بی هویتی می کند. فضاهای معماری در زندگی ما حضوری بی واسطه دارند و ظاهر هویتی ما را بر خود می گیرند؛ از این رو است که با آنها احساس انس و آشنایی داریم. بدیهی است که اگر صاحب هویت دیگری باشند، آرامش لازم را ایجاد نخواهد کرد. واسطه ارتباط هویت درون ما با هویت درون فضاهای معماری، فرهنگ است. فرهنگ به رفتار ما شکل می دهد و از سوی دیگر، فضای معماری، جوابگوی شکل های رفتاری است. (تولایی، ۱۳۸۰). نتیجه این است که، هم بناهای جدید و هم بناهای مرمت شده می توانند در تقویت عرصه همگانی سهیم شوند.